

یکی از کارهای بسیار مشکل و در عین حال مهم برای تدوین کنندگان اصطلاحنامه‌ها، جست‌وجو و استنباط روابط ساختاری اصطلاحات است

حدود ۷۰ نام.

اع: آیات^{۱۰} کند زبان، غیر عرب -- عجم

عجل گوساله^{۱۱} احتیاج فقر، نیاز حجره، اتاق، چاردیواری^{۱۱} علوم قرآنی^{۱۲} احادیث تفسیری، اخبار تفسیری، روایات تفسیری^{۱۳} تفاسیر قرآنی^{۱۴}

تدوین قرآن، تألیف قرآن، گردآوری قرآن - جمع قرآن^{۱۵} آیات مکی، آیات مدنی، آیات معاد، آیات قیامت، آیات مطلق، آیات مقید و موارد زیادی ذیل «آیات» نیامده است.

ج) ناهماهنگی در نظام ارجاعات

ارجاع دقیق و کامل در دایره‌المعارف‌ها، اصطلاحنامه‌ها و سرعنوان‌ها فواید فراوانی دارد. قاعدتاً باید در مقدمه از اصطلاحات و از جمله اصطلاحات مترادف آماری ارائه می‌شد تا به صورت میانگین حد ارجاعات گمانه‌زنی می‌شد که این کار نشده است. ولی با جست‌جو در کتاب و بررسی سیره عملی آن مشاهده می‌شود که اصطلاحات غیرمرجع بر اساس یک تصمیم قبلی و سیاست‌گذاری منطقی و بر اساس نوع کاربرد اصطلاحات صورت گرفته است. برای مثال در مقدمه «اثم» و «ذنب» به «گناه» ارجاع شده است، ولی در متن به «گناهان» ارجاع داده‌اند (ص ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۵۱).

- برای «حاکم سیاسی» فقط سه مترادف حکام، سلطان، والی انتخاب شده، در حالی که مترادف‌های دیگری مانند شاه، پادشاه و ملک قابل ارجاع است.^{۱۶} پادشاه به‌عنوان اصطلاح مستقل آمده است. - معتکف می‌تواند به اعتکاف وابسته شود و اصلاً نیامده است.^{۱۷}

- «مبطلات اعتکاف» زیرمجموعه «احکام اعتکاف» آمده، در حالی که تنها زیرمجموعه «مبطلات اعتکاف» «آمیزش» ثبت شده است و از مباشرت با زنان، مجادله و... که در کتب تفسیری از آن سخن به میان آمده، خبری نیست. همین اتفاق را در «شرایط اعتکاف» نیز مشاهده می‌کنیم (ص ۳۲، ۸۳، ۳۶۴).

- آل رسول (ص) به آل محمد (ص) ارجاع شده و از سوی دیگر اهل بیت زیرمجموعه (اخص) آل محمد واقع شده است. ولی وجه تفکیک این مفاهیم روشن نشده است. آیا آل محمد غیر از اهل بیت است. اگر چنین باشد چگونه بر آنها صلوات واجب شده است - اللهم صل علی محمد و آل محمد (یعنی پیامبر و اهل بیت) - آل محمد همان آل رسول و همان اهل بیت است که دارای حکم مشخص و افراد تعیین‌شده‌ای هستند (بتکرید به: ص ۳۱ و ۱۰۵).^{۱۸}

- مسافرت شبانه توضیح لغوی اسراء است و اصطلاح متداول

نیست و ارجاع اسراء به آن خیلی دقیق نیست و چون پیامبر (ص) در شب به معراج رفت، اصطلاح «اسراء» بر آن اطلاق می‌شود (ص ۱۰۵، ۳۱) و به همین دلیل سوره هفدهم قرآن نیز اسراء نامگذاری شده است.

- وثن^{۱۹} (ص ۴۳۲) به بت‌ها ارجاع شده و اوثنان (ص ۱۰۲) نیز انتخاب شده و به بت‌ها ارجاع شده است.^{۲۰}

- ذیل واژه «آیات» مصادیق زیادی حذف شده است مانند: آیات تحذی، آیات عفو، آیات قصص، آیات لیلی، آیات مدنی، آیات مکی. - «عیاد» زیر بخش «اوقات مقدس» قرار گرفته است و مصادیق فراوانی هم دارد (ص ۱۰۳، ۸۵، ۲۹۹) ولی در نهایت در نظام درختی جایی ندارد.

در بخش ترسیمی اصطلاحات با تنظیم معنایی در زیر بخش توصیف‌گرهای تکرار شده است، مانند: زیرمجموعه‌های حیوانات اهلی، چهارپایان، حیوانات بارکش، حیوانات خشکی عموماً با مختصری جابه‌جایی تکرار شده‌اند. قاعدتاً باید در اولین مرتبه کاملاً ذکر می‌شد و در بخش‌های بعد به آن ارجاع می‌گشت. از سویی اصطلاحات مهمی در معارف قرآن کاربرد دارد و در این حوزه معرفتی دارای اهمیت خاصی است ولی در نظام درختی دیده نمی‌شود، مانند تشریح، تبلیغ، تجسم عمل، تذییر، اسراف، مطهرات و موارد فراوان دیگر که فقط وابسته منظور شده یا اعمی برای آنها مشخص نشده است و علت اصلی آن است که از ابتدا رده‌های اصلی متناسب با پهنه واقعی معارف قرآن انتخاب نشده و انحصار رده‌های معارف قرآن در چهار رده اصلی سبب شده است که بسیاری از اصطلاحات مهم و کلیدی که قطعاً در نظام درختی معارف قرآن می‌توانند قرار گیرند (اسراء: ۱)، خارج شوند مانند: نام‌های قیامت، که حدود چهل نام قرآنی برای آن در بخش القبایی ردیف شده است، نام‌های بهشت، نام‌های محمد (ص)، مطهرات، نجاسات^{۲۱} که هر کدام زیربخش‌هایی دارند. لذا بهتر بود برای جای‌دهی اصطلاحات فراوان معارف قرآنی که در نظام درختی در بخش القبایی هستند، از قاعده مقوله‌سازی برای رده‌های اصلی استفاده می‌شد.

د) وابستگی فراوان

یکی از کارهای بسیار مشکل و در عین حال مهم برای تدوین کنندگان اصطلاحنامه‌ها، جست‌وجو و استنباط روابط ساختاری اصطلاحات است، روش کار این چنین است که ابتدا اصطلاح از منابع استخراج شود و روابط پیشنهادی به گروه علمی برای بررسی و تصویب ارسال گردد. حداقل روابطی که باید به‌دقت بررسی شود، عبارت است از رابطه ترادف (هم‌ارز)، رابطه سلسله‌مراتبی (اعم و اخص) و رابطه وابستگی. رابطه وابستگی کم‌ترین اهمیت را در این مرحله از بررسی دارد، اگرچه اصل وابستگی در اصطلاحات کم‌اهمیت نیست. یعنی وقتی گروه علمی نتواند در سلسله‌مراتب جایی را برای اصطلاح پذیرفته‌شده پیدا کند، ولی یک نوع ارتباطی را تشخیص دهد، این ارتباط می‌تواند وابسته تلقی شود و برای اینکه اصطلاحات وابسته بیش از حد گسترش پیدا نکنند، به سیاست‌گذاری نیاز دارد. مثلاً ممکن بود که «نام‌های قرآنی» به‌عنوان یک مقوله



ساختگی پذیرفته شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از معارف قرآنی که با عناوین نام‌های بهشت، نام‌های جهنم، نام‌های سور قرآن، نام پیامبران، نام‌های قیامت، نام‌های اماکن مقدس، مانند نام‌های کعبه، مکه و نظایر آن ذیل آن با یک نظم دلپذیر و قابل استفاده برای محققان ردیف می‌شود و بدین ترتیب اصطلاحات فراوانی در سازمان درختواره‌ای اصطلاحنامه جا پیدا می‌کند (ص ۳۴) و فقط اصطلاحاتی وابسته فرض نمی‌شد.

ه) ناهماهنگی در روابط معنایی اصطلاحات تک اخصی

فراوان دیده می‌شود مواردی که فقط یک اخص برای اصطلاح ردیف شده است، مانند: همسر آدم، ا.خ: حوا/ همسر ابولهب، ا.خ: جمله بنت حرب/ همنشینی، ا.خ: همنشینی حرام (ص ۴۱۱، ۴۱۲). این نوع اقدام دو وجه دارد: وجه اول این است که گاهی بررسی کامل صورت نگرفته و تمام اصطلاحات اخص...

غار اصحاب کهف، غدیر خم، عرفات و... در رده تاریخ هم جایی نیافته‌اند و ظاهراً به این جنبه اساسی توجهی نشده و اگر هم سیاسی مد نظر بوده، نیامده است.

۳. اصطلاحات چنداعمی

یکی از ویژگی‌های این اصطلاحنامه، استفاده از نظام چنداعمی است که اگر به‌درستی انجام شود و ساختار معنایی از ابتدا تا انتهای اصطلاحات ردیف شود، قطعاً قابل استفاده برای پژوهشگران قرآنی خواهد بود و دامنه بررسی و تحقیق آنها را گسترش خواهد داد.

امام علی (ع) در زیرمجموعه «ائمه (ع)» و «اصحاب کسا» قرار گرفته است و در این حد ارزشمند است. ولی در پی‌گیری اصطلاحات حاکم مشاهده می‌شود که اصحاب کسا به جایی در نظام سلسله‌مراتبی وصل نشده است (اعم ندارد) و همچنین ائمه زیربخش اهل بیت (ع) و آن هم زیر بخش آل محمد (ص) قرار گرفته و آل محمد در نظام سلسله‌مراتبی قرار نمی‌گیرد. قرآن زیر بخش کتب آسمانی و زیر

اصطلاح زیرمجموعه (اخص) آنها «خلیل الله» است (ص ۹۰).
 - تمام اعضای بدن را به صورت مفرد انتخاب کرده‌اند. جرم به گناهان ارجاع شده است و جرائم که جمع آن می‌باشد، مستقل آمده و بیش از ده زیر بخش برای آن ردیف شده است (ص ۱۶۱).
 - اقوام به قوم ارجاع شده است. درحالی که مصادیق فراوانی مانند اقوام پیشین، قوم ابراهیم، موسی، عیسی، عاد، لوط و نظایر آن دارد. همچنین دین (ص ۵۹ مفرد) نیز این شرایط را دارد. با اینکه مصادیق فراوانی مانند ادیان ابراهیمی، ادیان آسمانی، ادیان غیرآسمانی و نظایر آن دارد و طبق آنچه در مقدمه (ص ۱۱) آمده است، باید جمع می‌آمد نه مفرد.

۳. فارسی و عربی

یکی از برنامه‌ریزی‌های ضروری در تدوین اصطلاحنامه‌ها انتخاب زبان و نحوه پرداختن به لغات دخیل و غریبه است. اهمیت این امر در علوم اسلامی فوق‌العاده است. زیرا منابع اسلامی هر چند فارسی باشد، توأم با عربی است و تدوین‌کنندگان باید ضمن رعایت زبان تخصصی حوزه مربوط، به اصول زبان‌شناسی (تعریف شده‌ای) پایبند باشند و از سوی دیگر نیاز کاربران را نیز در نظر بگیرند. آنچه در این اصطلاحنامه دیده می‌شود، نشان‌دهنده این است که درباره عربی و فارسی روال مذونی رعایت نشده است.

در صفحه ۲۰۷ «بحر» به دریاها و در صفحه ۳۹۳، مقطوع النسل بجای ابتر، عقیم و قطع نسل ارجاع شده است «داد و ستد» و «خرید و فروش» به «بیع» (ص ۱۲۴) شغل به مشاغل، «صوم» به «روزه» مفطرات به مبطلات، مجنون بجای مفتون، دیوانگی به «جنون» ظالمان بجای ستمگران ارجاع شده است.

۴. توضیحگرها

همان‌طور که در مقدمه آمده است، توضیحگر معمولاً برای جداسازی اصطلاحات مشابه استفاده می‌شود. ولی مواردی طبق وعده عمل نشده است. مثلاً حکم (ص ۱۸۳) پنج مورد گزینش شده، ولی یکی از آنها بدون توضیحگر است. همچنین در «شاهد»، «شهید»، «آخر»، «اعلم»، «اعلی»، «باطن»، «بصیر» و «تواب» که فقط یک موردند، ولی توضیحگر گرفته‌اند. از این قبیل فراوان وجود دارد.

۵. اعراب‌گذاری در برخی از اصطلاحات

با توجه به تمایز متنوع در حوزه معارف اسلامی و تأثیر اعراب و علائم در معنا به نظر می‌رسد که یکی از موارد مهم و لازم در اصطلاحنامه، گذاشتن اعراب در بعضی از اصطلاحات است مانند:

- محرم (ص ۳۷۱) هم وابسته به احرام شده است و هم یکی از اسمای حسنی می‌باشد. ولی ممکن است محرم نیز خوانده شود که در مباحث ارث و نگاه، به محارم جمع بسته می‌شود.

- اعدام - اعدام: اعدام یکی از حدود است. ولی اعدام در معارف فلسفی و کلامی مطرح می‌شود.

- همچنین کاره، ماد، الظل، مبدل، مبین، مثبت و بسیاری دیگر از اسمای حسنی الهی که قطعاً اعراب و علائم از قبیل تشدید در معنا اثر می‌گذارد و ظاهراً علائم حروف و کلمات و همچنین تشدید در این اصطلاحنامه وجود ندارد.

۶. شکل اصطلاحات

- در صفحه ۱۷۹ حق به حقوق ارجاع شده است، با این حال ذیل حق حدود ۱۰ وابسته ردیف شده است و از این وابسته‌ها در ذیل حقوق خبری نیست (ص ۲۴۹).

- سلطان

بک: پادشاه

حاکم (سیاسی)

این ارجاع در اصطلاحنامه صحیح نیست. زیرا یک اصطلاح نمی‌تواند دو مرجع داشته باشد. اگر سلطان مشترک بوده است باید با توضیحگر تفکیک می‌شد و یک بار به پادشاه و بار دیگر به حاکم سیاسی ارجاع می‌شد.

سیاست‌گذاری‌ها

۱. واژگان دخیل در معارف قرآن

برای عناوین دخیل و غریبه باید نام اصلی به صورت ارجاعی ذکر شود، مانند (بعبری شلومه Shlomo) که نام اصلی (عبری) سلیمان (ص ۲۴۹) است. این کار عموماً درباره اسامی دخیل در قرآن انجام نشده است، از قبیل موسی (موسی، موشی)، طالوت (شاول، نخستین پادشاه یهود)، جالوت (جلیات)، ذو الکفل (ذا الکلف، حزقیل)؛ یونس (یونه)، فرعون (رامسس دوم)، هامان (هومان)، هود (عبیر، عابر). در مورد «ادریس» (ص ۵۸) ارجاع «اخنوع» تهیه شده است و در بعضی از منابع «ایناخ» نیز آورده‌اند.

۲. مفرد و جمع

- «اوتان» (ص ۱۰۲)، «وثن» (ص ۴۳۲) هر دو پذیرفته شده و به «بت‌ها» ارجاع داده شده است؛

اقوام اوزان القاب افلاک آیات ائمه
 بک: قوم بک: وزن بک: لقب بیج: فلک بیج: آیه بک: گناهان
 عبادت معاملات حکام سلطان پادشاه والی ائمه اماکن رنگ‌ها
 عقود بیج: عقد

- در یک بررسی اجمالی نمونه‌های زیادی دیده می‌شود که نشان می‌دهد در گزینش جمع و مفرد سیاست دقیقی رعایت نشده است (ص ۴۱، ۲۹۰، ۱۰۲۷، ۱۷۱، ۴۳۲). در مقدمه نیز قاعده‌ای ارائه شده که در متن به آن عمل نشده است. این عمل علاوه بر ناهماهنگی، در مواردی سبب گسترش اصطلاحات شده است و در بسیاری موارد از شکل دیگر اصطلاح (مفرد یا جمع) غفلت شده است. تکلیف اصطلاحاتی مانند: مکان، ایام، معامله، سلاطین و نظایر آن معلوم نشده است و کاربر هم نمی‌داند که باید کدام شکل از مفرد یا جمع را پی‌گیری کند و سبک روشنی هم از متن اصطلاحنامه به دست او نمی‌آید.

- خرید و فروش به بیع ارجاع شده است (ص ۱۲۴) و معاملات به صورت جمع آمده و زیر بخش شریعت قرار داده شده است. طفل و اطفال به کودک ارجاع شده است (ص ۳۴۵).

- «لقاب» به «لقب» ارجاع شده است (ص ۹۰) و القاب ابراهیم، القاب امام مهدی، القاب پسندیده، القاب جبرئیل، القاب محمد، القاب موسی، القاب ناپسند (۱۰ مورد) به صورت جمع انتخاب شده است و زیربخش آنها عمدتاً یک لقب ثبت شده است، مانند: القاب ابراهیم که

تدوین کنندگان کم نمی‌کند، و امیدوارم از اجر معنوی از سوی صاحب قرآن بهره‌مند شوند و با سعه صدر کاستی‌های موجود را بررسی کنند و خود با نگاهی نقادانه اصل کتاب را بنگرند و بدین سبب، تکمیل و ارتقای این اثر ماندگار را بر عهده گیرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن یکی از مؤسسات وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است. محققانی که در تدوین این اصطلاحنامه نقش اصلی داشته‌اند عبارت‌اند از: سیدحسین حیدری موسوی، موسی رسایی، سیدمصطفی حسینی، علیرضا ملاحسینی، طاهر لطفی، سیدقوام الدین هاشمی، سیدحسین طباطبایی فرد و محمد حسین هادی.

2. Thesaurus

۳. مرکز یاد شده تغییر نام داده و با ارتقای کیفیت علمی از ۱۳۸۴ به‌عنوان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود.

۴. درباره پذیرش این چهار رده اصلی، به‌عنوان زیربخش‌های عمده معارف قرآن، جای بحث وجود دارد. ولی باید گفت که قرآن‌شناسی اگر همان علوم قرآنی باشد، که از زیر مجموعه‌های ذکر شده برای قرآن‌شناسی در کتاب این مترادف فهمیده می‌شود، بسیاری از مباحث قرآن‌شناسی حذف شده است (بنگرید به: اصطلاحنامه علوم قرآنی) و از سوی دیگر اصطلاحات فراوانی در ذیل رده‌های فوق قرار داده شده است که خیلی خوشایند نیست. مثلاً حیوانات با انواع و اقسامش در رده هدایت‌شناسی قرار گرفته است و مجدد در رده جهان‌شناسی آمده است و این همه به‌دلیل محدود شدن رده‌های اصلی بوده است. محدود کردن معارف قرآن در این چهار رده جای گفت‌وگوی بیشتری دارد.

۵. این اصطلاح در آیات حج به‌کار رفته است: «الحج اشهر معلومات» (بقره: ۱۹۷) و به همین شکل دو بار در قرآن آمده است. ضمن آنکه «معلومات» می‌تواند جمع معلوم هم باشد و امروزه به‌جای «اطلاعات» در عربی به‌کار می‌رود و ممکن است با سه توضیحگر در اصطلاحنامه ظاهر شود.

۶. در یازده آیه اصطلاحات یاد شده آمده است، حجر: ۴، ۲۱، ۳۸؛ شعرا: ۳۸، ۱۵۵؛ و صافات: ۴۱، ۱۶۴ که عناوین یادشده در آیات ممکن است ارجاع به جزء اول شود که این اتفاق نیفتاده است.

۷. این اصطلاح و مشتقات آن حدود ۱۰۰ بار در قرآن آمده و در مسئله سفر و اعراض از نعمت‌های الهی مطرح می‌شود و معانی متعددی دارد که با شکل‌های مختلفی مصطلح است.

۸. ابرص الاکمه و الابرص (نساء: ۴۹) همان‌طور که در اصطلاحنامه ابرص به پیس ارجاع شده، باید اکمه نیز به کور مادر زاد ارجاع شود.

۹. آیات نامدار قرآن فراوان است و بیش از ۷۰ نام قابل شمارش است که در این اصطلاحنامه فقط ۹ مورد اشاره شده است.

۱۰. در قرآن دو بار آمده و مورد بحث فراوانی در تفاسیر قرار گرفته است. فارسی آن (گوساله) انتخاب شده، ولی اصطلاح قرآنی نیامده است و باید به فارسی ارجاع می‌شد. همانند عجم که فقط عربی آن ذکر شده و از ارجاع فارسی آن غفلت شده است و مثل «پیران» که

ممکن است برخی از قرآن‌پژوهان با توجه به تعریف خاصی که از اصطلاح پذیرفته‌اند، مواردی از واژه‌های اصطلاحنامه را «اصطلاح» به حساب نیاورند، ولی با توجه به اینکه در اصطلاحنامه‌ها یک توسعه معنایی در کاربرد اصطلاح می‌بینیم، از این‌رو شمارش بسیاری از اصطلاحات از تعریف اصطلاح بیرون نیست، اگرچه موارد غیراستاندارد در این اصطلاحنامه کم هم نیست، از قبیل «عالم غیب السموات و الارض» (ص ۲۸۲)، «قاعده مشروعیت عبادت کودک» (ص ۲۸۳)، اسرای محمد (ص ۷۲) و شرایط خطبه نماز جمعه^{۲۸} (ص ۲۵۹) که بعضی از موارد یادشده با اندکی تغییر شکل بهتری می‌یافتند، مانند مشروعیت عبادت کودک و نظایر آن.

اگرچه برخی نیز لزومی ندارد که در ردیف اصطلاحات قرار گیرند، مانند شرایط استقرار مهر به، احکام افساد فی الارض، شرایط خطبه نماز جمعه.

۷. اشکال در ردیف الفبایی، تایپ و چاپ

- «افساد حج» بعد از «تاریخ قوم زکریا» (ص ۱۳۸) تکرار شده است. با اینکه در صفحه ۸۶ به همین شکل آمده است.

- اشراط الساعه (ص ۷۸ و ۴۱۷) و همچنین قیاس مستنبط العله (ص ۳۳۳) به هم چسبیده است.

- عبارت راهنما «قوم» در صفحه ۳۳۱ و طهارت در صفحه ۲۷۸ افتادگی دارد.

- علائم اختصاری بدون وجه تکرار شده است (ص ۲۸۲ و ۲۸۳) و در صفحات مختلفی این اشتباه رخ داده است.

- در بخش «روش استفاده از اصطلاحنامه» (ص ۱۶) ابتدای متن با انتهای متن هماهنگی ندارد. در ابتدا اصطلاحنامه به دو شکل الفبایی و ترسیمی توصیف شده و در پایان، بخش سوم نیز اضافه شده است. برخی از کتاب‌هایی که بخش شده است، بخش ترسیمی را به همراه ندارد.

چند نکته

۱. امید دارم در ویرایش دوم این اثر، تمام کاستی‌های آن به‌گونه‌ای شایسته برطرف شود تا به‌عنوان نخستین کتاب درباره اصطلاحات معارف قرآنی مورد بهره‌برداری محققان و مؤسسات قرآنی قرار گرفته و ماندگار بماند.

۲. پیشنهاد می‌شود که با استفاده از منابع وسیع عربی در حوزه معارف قرآنی و نیز بهره‌برداری از این اصطلاحنامه و مستندات موجود در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اصطلاحنامه‌ای به زبان عربی تدوین و نه ترجمه و تعریب شود. تا جای خالی این نوع اثر را در میان عرب‌زبان‌ها پر کند.

۳. با مؤسسات و سازمان‌هایی که درباره معارف مرتبط با قرآن نقش دارند، هماهنگی کرده و ضمن ترغیب آنان به استفاده از این استاندارد که با زحمات و هزینه‌های فراوانی مهیا شده است، شرایط تکمیل و ارتقای آن را فراهم کنند.

۴. هرچه سریع‌تر مستندات و مأخذ و منابع آن را حتی الامکان در قالب نرم‌افزاری در اختیار پژوهشگران قرار دهند.

۵. آنچه در این نوشته آمده است، از عظمت کار و تلاش بزرگ

آن مشخص نشده است (اصطلاحات حاکم ندارند) مانند صفحات ۱۸۱، ۱۶۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۹، ۱۹۴، ۳۶۱، ۳۰۹، ۳۰۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲ و غیره.

۲۱. متأسفانه شیوه کار و نوع بررسی و تصویب در مقدمه نیامده است، شاید تدوین کنندگان محترم روشی را داشته‌اند که به این نتیجه ختم شده، ولی نانوشته مانده است. به هر حال رابطه وابستگی یکی از ارتباطات معنایی است که پذیرش آن سهل و ممتنع است. ضمن آنکه نباید اصطلاحی بدون رابطه معنایی در اصطلاحنامه رها شود، باید تدوین کنندگان تلاش کنند که تا حد امکان در بخش سیستمی آن را جا دهند و گرنه ممکن است هر اصطلاحی به اصطلاحات دیگر وابستگی داشته باشد.

۲۳. کتاب‌های متعددی درباره آیات فقهی قرآن تدوین شده و عناوینی مانند آیات احکام فقهی، فقه القرآن، احکام القرآن به آنها داده‌اند و تا ۵۰۰ آیه از قرآن را به این منظور برشمرده و شرح کرده‌اند (زبدة البیان فی براهین احکام القرآن، محقق اردبیلی، انتشارات امیرالمومنین، ۱۳۷۸).

۲۴. مانند همسر فرعون، آسیه (ص ۶۴)؛ همسر عمران، حفصه بنت فاخوذ؛ بی‌همسران (ص ۴۴۵)، بیوه (ص ۱۲۶). انبیا ای انطاکیه زیر بخش انبیا قرار گرفته ولی تنها یک اخص دارد؛ شمعون (ص ۹۷) علمای بنی اسرائیل فقط یک اخص دارد. بلمع باعورا (ص ۲۹۳). اصطلاحنامه را با این دید بنگرید که موارد خیلی زیاد است.

۲۵. هر چند مشخص نشده است که منظور از تفسیر چیست، آیا تفسیر قرآن است یا علم تفسیر. به هر حال با انتخاب تفسیر به رأی به عنوان زیر بخش تفسیر، موارد دیگری مانند تفسیر موضوعی، تفسیر آیه به آیه، تفسیر قرآن با قرآن و غیره نیز وجود دارند.

۲۶. حزقیل در صفحه ۱۷۶ به قصه حزقیل وابسته شده است و دوباره ذوالکفل در صفحه ۲۱۸ به قصه ذوالکفل وابسته شده است. ظاهراً حزقیل نام اصلی ذوالکفل است (فرهنگ لغات قرآن، عباس شوشتری، انتشارات گنجینه ۱۳۷۴، واژه ذوالکفل).

۲۷. در اینکه عنوان فوق با پیشوند قاعده متداول شده باشد تردید وجود دارد.

۲۸. شرایط خطبه نماز جمعه با اینکه جمع است، ولی یک اخص برای آن ذکر شده است (ص ۲۵۹) و از این قبیل زیاد وجود دارد مانند: شرایط عبادت، شرایط مقدوف، شرایط نبوت و نظایر آن (همان صفحه).

منابع و مآخذ

۱. حری، عباس (۱۳۸۱). دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲. یونسکو (۱۳۷۷). اصطلاحنامه بین‌المللی توسعه فرهنگی یونسکو، ترجمه عباس حری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بهرتر بود عجز به آن ارجاع شود و در قرآن چهار بار ذکر شده است. ۱۱. مانند آیه ۳۹ سوره حجرات.

۱۲. علوم قرآنی یکی از مباحث گسترده و مهم مرتبط با قرآن است که منابع فراوانی به آن پرداخته‌اند و بسیاری از مفسران در ابتدای تفاسیر قرآنی خود یا در خلال مطالب کتب تفسیری از این مباحث سخن گفته‌اند. اصطلاح علوم قرآنی قطعاً به معارف قرآن وابسته است. عجیب این است که «قرآن‌شناسی» یکی از رده‌های اصلی این اصطلاحنامه به‌شمار آمده است (ص ۳۲۰)، ولی اصطلاح معروف علوم قرآنی به آن ارجاع نشده است.

۱۳. اصطلاحات یادشده در معارف قرآن فراوان مطرح می‌شود، ولی در اصطلاحنامه نیامده است. روایت آمده و حدیث به آن ارجاع شده است.

۱۴. تفاسیر و کتب تفسیری قرآنی نیامده است. با اینکه انواع فراوانی مانند تفاسیر اجتماعی، اخلاقی عرفانی، فلسفی، تربیتی، موضوعی و... دارند و ۴۳ نوع در اصطلاحنامه علوم قرآنی (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۶) آمده است. اگر این نوع اصطلاحات از نظر نویسندگان، مربوط به علوم قرآنی بوده است، باید با یادداشت دامنه در جایی، از آن یاد می‌کردند.

۱۵. در این اصطلاحنامه «جمع قرآن» به‌عنوان اصطلاح معارف قرآنی، پذیرفته شده و فقط وابستگی آن به قرآن مشخص شده است. درحالی‌که اصطلاحات مترادف و زیرمجموعه (اخص‌ها و وابسته‌ها) فراوانی دارد، مانند جمع امام علی، جمع ابوبکر، جمع دوره پیامبر، جمع عثمان، جمع حفطی، جمع کتابی و... و مانند تاریخ جمع قرآن، ترتیب قرآن و نظایر آن. به نظر می‌رسد که یکی از مشکلات اساسی خلط موضوعی است که میان موضوع علوم قرآنی و معارف قرآن به‌وجود آمده است. از این رو اصطلاحات قابل توجهی از علوم قرآنی بدون بررسی روابط معنایی آنها ردیف شده و به محل وجود آنها (مانند اصطلاحنامه علوم قرآنی) هم اشاره‌ای نشده است.

۱۶. (ص ۱۷۱)

۱۷. معتکف یکی از واژه‌های مهم و قابل ارجاعی است که باید در این اصطلاحنامه قرار می‌گرفت و حداقل به اعتکاف وابسته می‌شد. تدوین کنندگان این اصطلاح را نیاورده‌اند. درحالی‌که مواد دیگری را به اعتکاف مرتبط کرده‌اند که خیلی ضرورت ندارد. مثلاً از سویی «آمیزش در اعتکاف» را پذیرفته‌اند و از سوی دیگر «آمیزش» را زیرمجموعه مبطلات اعتکاف آورده‌اند. درحالی‌که این دو واژه در باب اعتکاف یک معنا دارد و تکثیر آن نازیباست.

۱۸. در صفحه ۱۰۴ آل را به اهل ارجاع داده است. پس آل محمد (ص) همان اهل بیت (ع) هستند و همین درست است.

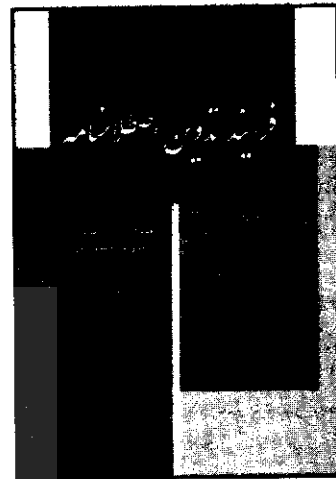
۱۹. با اینکه در «وثن» مفرد و جمع هر دو پذیرفته شده، در همان توضیفر (بت‌ها) اصنام و انصاب به‌شکل جمع انتخاب شده است و از مفرد آن ارجاعی هم تهیه نشده است و این ناهماهنگی حکایت از عدم سیاستگذاری در گزینش جمع و مفرد دارد.

۲۰. کتاب را از این دید نگاه کنید که بسیاری از اصطلاحات اساسی فقط رابطه وابستگی دارد یا اصطلاحات اخص قابل توجهی ذیل آنها قرار گرفته (اصطلاحات تابع دارند) ولی اصطلاح اعم و بالا دستی

فرآیند تدوین اصطلاحنامه

● سید مهدی طاهری

کارشناس مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی



تأثیر بسزایی داشته، مباحث و دیدگاه‌های جدیدی را به‌وجود آورده است. تدوین و کاربرد اصطلاحنامه در ایران سابقه‌ای حدود چهار دهه دارد. با وجود این تلاش‌های مربوط به تهیه آثاری که به مباحث نظری و عملی به‌ویژه مباحث روز بپردازد، بسیار محدود بوده، و اکثر آثار موجود ترجمه منابع خارجی است. تقویت و افزایش منابع نظری و آموزشی به رشد این مهم می‌انجامد. در این میان پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران نقشی فعال‌تر نسبت به مراکز حرفه‌ای حوزه اصطلاحنامه در تولید منابع اطلاعاتی مورد نیاز ایفا نموده است. انتشار چندین عنوان کتاب و مقاله بیانگر این مطلب است. جدیدترین اثر در این زمینه با عنوان فرآیند تدوین اصطلاحنامه تألیف دو تن از فعالان حوزه اصطلاحنامه و ویراسته سه تن از متخصصان این حوزه نیز محصول این پژوهشگاه است، که در این مقاله معرفی، و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

معرفی اثر

کتاب فرآیند تدوین اصطلاحنامه اثری است مشتمل بر هفت فصل که بنا بر گفته پدیدآورندگان آن قصد دارد تعریفی دوباره از اصطلاحنامه در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات ارائه نموده و بصورت مختصر به فرآیند تدوین اصطلاحنامه بپردازد. فهرست مطالبی نه چندان تفصیلی، همراه با فهرست جدول‌ها و فهرست شکل‌ها و پیشگفتار، صفحات آغازین اثر را به خود اختصاص داده‌اند. فصل اول اثر به تعریف نمایش‌سازی، انواع نمایش‌سازی از لحاظ هم‌ارایی، زبان نمایش‌سازی، و واژگان کنترل شده می‌پردازد. در فصل دوم تعاریف، اهداف، ضرورت‌ها، نقش‌ها، انواع، و نمایش‌های اصطلاحنامه‌ها ارائه شده‌اند. فصل سوم «استانداردهای تدوین اصطلاحنامه»، با تأکید بر استانداردهای Z39.19 و ISO 5964 را معرفی می‌کند. «تدوین اصطلاحنامه» عنوان فصل چهارم است که مراحل اصلی این فرآیند و روش‌های متداول آن - قیاسی و استقرایی، مواردی که باید هنگام تدوین اصطلاحنامه در نظر گرفته شوند، و مطالبی پیرامون توصیفگرها و غیرتوصیفگرها، و سایر مباحث مرتبط را مد نظر قرار داده است. فصل پنجم درباره اهمیت و انواع روابط - هم‌ارزی، سلسله‌مراتبی، وابستگی - در اصطلاحنامه‌هاست. فصل ششم به‌طور ویژه فرآیند تدوین اصطلاحنامه‌های چندزبانه را بیان می‌دارد. و فصل هفتم، مبحث مهم مدیریت و روزآمدسازی اصطلاحنامه، را بر اساس استاندارد Z39.19 مطرح کرده است. این اثر دارای واژه‌نامه فارسی به انگلیسی، فهرست منابع، و نمایه‌ای برون‌بافتی است. در پایان اثر نیز صفحاتی ویژه یادداشت برای استفاده خوانندگان اثر تهیه شده است.

بررسی نقاط قوت و ضعف اثر

همان‌طور که بیشتر اشاره شده نقد یک اثر، بازخورد و واکنش خوانندگان به پدیدآورندگان در مورد ویژگی‌ها و کاستی‌های آثار است، که می‌تواند باعث تکمیل اثر و رشد آنها گردد. این مقاله نیز تلاشی است در این راستا. نگارنده امیدوار است مطالب بیان شده در این مقاله مورد استفاده پدیدآورندگان محترم قرار گرفته و به تقویت اثر کمک نماید. در این بخش نقاط قوت و ضعف اثر به‌طور خلاصه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نخست نقاط قوت اثر به‌طور کلی و سپس نقاط ضعف آن به تفکیک اجزای اصلی اثر ارائه شده‌اند. در طول مقاله سعی شده معیارهایی متناسب با ویژگی‌های منابع بومی (و نه بر مبنای استانداردهای

■ محمدی، فخرالسادات؛ علیدوستی، سیروس. فرآیند تدوین اصطلاحنامه. ویراسته لیلا مرتضایی، علی آقابخش، فاطمه شیخ شماعی. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶، قطع وزیری، ۱۹۵ ص. شابک: ۹۶۴-۷۵۱۹-۵۱-۶

مقدمه

نقد کتاب به‌عنوان یکی از سنت‌های علمی و آکادمیک همواره مورد توجه فرهیختگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف دانش بشری بوده است. این سنت که بازخورد و واکنش جامعه علمی به تولید علم را نشان می‌دهد (طاهری، ۱۳۸۳، ص ۷۳)، به‌نوبه خود موجبات ایجاد دانش جدید یا تکمیل دانش قبلی را فراهم می‌آورد. تعامل پدیدآورندگان با مخاطبان به منظور آگاهی از تاثیر اثر نیز از دستاوردهای این سنت است. در همین راستا رسانه‌های گوناگونی از جمله مجلات نقد زمینه‌های لازم برای نقد و تعامل علمی را به‌وجود آورده، پویایی و نشاط جامعه حرفه‌ای را باعث می‌گردند. در منابع امروزی درخواست واکنش و بازخورد پدیدآورندگان از مخاطبان به یک رفتار حرفه‌ای تبدیل شده است. بدون تردید هر اثری در کنار نقدی جامع و دقیق، به اثری کامل تبدیل خواهد شد.

اصطلاحنامه‌ها هم اکنون به‌عنوان یکی از حوزه‌های مورد توجه در فرآیند مدیریت اطلاعات مطرح گردیده‌اند. تمایل و اشتیاق فراهم‌کنندگان نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات به استفاده از اصطلاحنامه‌ها روندی رو به رشد دارد. پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های اطلاعاتی بر این روند

بین‌المللی و ایده آل) مورد توجه باشند.

نقاط قوت

نویسندگان اثر از جوانان فعال، و ویراستاران آن از متخصصان حوزه اصطلاحنامه‌ها هستند. ناشر و سازمان پشتیبان اثر نیز از سازمان‌هایی است که تاکنون بیشترین آثار را در این حوزه تهیه و منتشر نموده است.

شکل ظاهری، و ترتیب اجزای کتاب، صفحه‌آرایی، تعداد بسیار کم اشکالات تایپی و فنی چاپ، و نظایر آن مطلوب می‌نماید.
وجود جدول‌ها و شکل‌های گوناگون و متعدد فهم مطالب کتاب را آسان نموده است.

منابع استفاده شده برای تالیف از روزآمدی نسبی برخوردارند.
دستورالعمل‌ها و معادل‌های فرهنگستان علوم رعایت شده است.
ابزارهای مناسب برای بازیابی اطلاعات کتاب از جمله چندین فهرست و نمایه، دسترسی به مطالب کتاب را تا حدی تسهیل نموده است.
استفاده از مثال‌های فارسی، کاربرد پذیری اثر را بالا برده است.
در ترتیب فصول و عناوین انتخاب شده برای آنها دقت لازم رعایت شده است.

نقاط ضعف

در این بخش سعی شده، به‌منظور استفاده بهینه از مقاله برای پدیدآورندگان و خوانندگان محترم، مطالب به ترتیب اجزای اصلی کتاب ارائه شود. برخی از اشکالاتی که به کل کتاب وارد است در قسمت «متن» اشاره شده است.

پیشگفتار. نخستین اجزائی از کتاب که به‌منظور کسب دیدگاه و آشنایی کلی با اثر توسط خوانندگان حرفه‌ای مطالعه می‌گردد، پیشگفتار و مقدمه هستند. در پیشگفتار - که معمولاً پس از صفحه عنوان و پیش از فهرست مطالب می‌آید - در مورد علت و چگونگی تالیف اثر صحبت، و گاهی اثر با آثار مشابه مقایسه می‌گردد (فتاحی و طاهری، ۱۳۸۴، ص ۳). در مقدمه به‌عنوان بخشی از متن کتاب، موضوع (های) کتاب را معرفی و خواننده را برای آشنایی با محتوا و ورود به بخش اصلی (متن) آماده می‌سازد. مقدمه معمولاً بعد از فهرست مطالب می‌آید و گاه توسط پدیدآورندگان با پیشگفتار اشتباه گرفته می‌شود (همان، ۱۳۸۴، ص ۴).

در پیشگفتار کتاب مورد بررسی (همچنین واژه‌نامه و نمایه)، علی‌رغم ویرایش اثر توسط سه تن از متخصصان، اشتباهات فاحشی رخ داده و میان مطالب ارائه شده در آن و مطالب ارائه شده در متن تناقض‌ها و تفاوت‌های بسیاری به چشم می‌خورد. عمده‌ترین اشکالات مربوط به پیشگفتار عبارت‌اند از:

الف) نام این بخش، بر مبنای آنچه قبلاً گفته شد - ماهیت محتوا و ترتیب قرار گرفتن آن (بعد از فهرست مطالب) - باید مقدمه نهاده می‌شد.
ب) در سطور ابتدایی پیشگفتار (و سایر بخش‌های کتاب)، واژه «نمایه‌سازی» به جای «نمایه‌سازی موضوعی» بکار رفته است. چنانچه بدیهی است نمایه‌سازی موضوعی - از لحاظ محتوا و پوشش - نوع خاصی از نمایه‌سازی است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۶۷؛ لنکستر، ۱۳۸۲، ص. [۳]) و محتوای این اثر نیز به این نوع از

نمایه‌سازی اختصاص دارد. این مسئله به‌ویژه می‌تواند در درک مطالب اثر برای دانشجویان و خوانندگان جوان مشکل ساز باشد.

ج) در صفحه هجده، هدف از نگارش اثر «تعریفی دوباره از اصطلاحنامه» در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات و ارائه مطالبی به صورت خلاصه درباره «فرآیند تدوین اصطلاحنامه» بیان شده است. عنوان اثر و مطالعه متن کاملاً خلاف این ادعا را نشان می‌کند. قسمت عمده محتوای اثر به «فرآیند تدوین اصطلاحنامه»

پرداخته و در قسمت‌هایی جزئی به کارکردهای نوین اصطلاحنامه. (د) کل اثر شامل هفت فصل می‌باشد، در حالی که در پیشگفتار یازده فصل بیان شده است. در مورد موضوع‌ها برای مثال، فصل پنجم با عنوان طراحی اصطلاحنامه ذکر شده که چنین فصلی با این نام در کتاب وجود خارجی ندارد. چنین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی نهایی در مورد محتوای اثر بعد از نگارش پیشگفتار تغییرات عمده‌ای داشته است.

متن. بدنه اصلی هر اثری را متن تشکیل می‌دهد. بنابراین محتوای اصلی اثر و هدف اصلی پدیدآورنده (ها) در متن نمود می‌یابد، نیز تمایز اثر را با سایر آثار مشابه نشان می‌دهد. متن کتاب مورد نقد از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و در این بخش از مقاله سعی شده به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره گردد.

الف) محتوای متن بیشتر به یک اثر «گردآوری و ترجمه» می‌ماند تا یک اثر تالیفی، چراکه از تفسیر و تحلیل و اظهار نظر نویسندگان چندان خبری نیست. بیشتر محتوا حالت ترجمه کامل یا خلاصه منابع استناد شده است، بدون تردید اگر نویسندگان برداشت خود را ارائه می‌دادند چنین حالتی به‌وجود نمی‌آمد. نقل قول‌ها و استنادهای متعدد، همچنین تناقض‌ها و تفاوت‌ها میان مطالب ارائه شده که بر روی انسجام مطالب کتاب تاثیر گذاشته، بدون بیان عقیده نویسندگان در مورد این تفاوت‌ها نیز حاکی از این مسئله است.

ب) در مواردی تکرار مطالب در فصل‌های مختلف و حتی در یک فصل دیده می‌شود. گاهی این تکرارها تعجب‌انگیز است. برای مثال در صفحات ۶۰، ۶۲ و ۱۴۸ کتاب در مورد روش‌های استقرایی و قیاسی در تدوین اصطلاحنامه‌ها سخن به میان رفته است. نکته قابل توجه اینکه این توضیحات با بافت و اصطلاحات متفاوت‌اند. در صفحات ۶۰ و ۶۲ از اصطلاح «روش قیاسی» و «روش استقرایی» استفاده شده و در صفحه ۱۴۸، «حرکت از کل به جزء» و «حرکت از جزء به کل». برای اصطلاح آخر یک یادداشت توضیحی اشتباه نیز نگاشته شده است. در این یادداشت آمده: «در نوشتجات مختلف این روش یا عنوان روش قیاسی نیز معرفی شده است». بدیهی است این توضیح مربوط به «حرکت از کل به جزء» است. همچنین تکرار مطالب در سطرهای دهم و یازدهم صفحه ۳۲ با سطرهای چهارم و پنجم صفحه ۳۳.

یاء) مطالب ارائه شده در صفحات ۱۴۸-۱۵۱ از فصل ششم (تدوین اصطلاحنامه چندزبانه) خلاصه‌ای است از مطالب فصل چهارم (تدوین اصطلاحنامه). با توجه به مشترک بودن بحث، نویسندگان محترم می‌توانستند با توضیحی در قالب چند سطر یا یک پاراگراف و با ارجاع به فصل چهارم عمل کنند.

ج) انسجام در نگارش و ترجمه. در «پیشگفتار» ذکر شده: «تلاش بر رعایت دستور خط پیشنهادی از سوی فرهنگستان زبان و ادب